



باز گشت به نقطه صفر

آذر مدرسی

با کشته شدن قاسم سلیمانی توسط نیروهای امریکایی، جهان در انتظار فاجعه ای انسانی در خاورمیانه لحظه شماری میکرد. با شلیک موشکهای ایران به مهمترین پایگاه نظامی امریکا در عراق ظاهرا باید شمارش معکوس برای

شروع این فاجعه آغاز میشود. ... صفحه ۲

حکمتیست
۲۸۹

۹ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۹ دیماه ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

قاسم سلیمانی

کشته شد!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

جمهوری اسلامی و

دو سردار

از خمینی تا سلیمانی

مصطفی اسدپور

محاكمه کارگران هفت تپه،

جدالی بدون صلح

خالد حاج محمدی



طبق اطلاعیه سندیکای هفت تپه، قرار بود دیروز، چهارشنبه ۱۸ دیماه

۱۳۹۸ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۲۰، دادگاه تجدید نظر ۱۳ نفر از کارگران هفت تپه در شعبه شانزدهم استان خوزستان برگزار شود. این ماجرا بعد از اعتراضات کارگران هفت تپه به احکام شلاق و زندان دادگاه کیفری شوش در دستور قرار گرفت. تا این ساعت خبری از این دادگاه، نتایج آن و برگزاری یا عدم برگزاری آن اعلام نشده است. پیش از این نیز بدنبال اعتراضات فراوان کارگران هفت تپه و بسیاری از کارگران و آزادبخواهان در ایران و خارج کشور، و همزمان کارگران و فعالین در زندان به احکام قرون وسطایی برای فعالین هفت تپه و مدافعان آنها، نهایتا و بعد از تجدید نظر، حکم ۵ سال زندان برای اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و علی نجاتی و بعلاوه مدافعان آنها، سپیده قلیان، امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی و عسل محمدی صادر شد. ... صفحه ۳

میگویند تاریخ دو بار تکرار میشود، بار اول بصورت تراژدی و بار دوم بصورت کمدی. مقایسه دو سردار تاریخ اسلامی سرمایه معاصر، اول خمینی و اینسبار قاسم سلیمانی مصداق این حکم میتواند باشد. وجوه تشابه زیادی میان این دو شخصیت و رویدادهای حاشیه مرگ آنها نظرها را جلب کرده است. این دو در وجوه بسیاری بر بستر تحولات و انکشاف طبقه بورژوازی ایران در ردیف قهرمانان ظاهر شدند. هر دو برای طبقه خود حامل ایده های پیشروی و موتور محرک تحقق آنها بودند. هر دو با مشایعت شگرف میلیونها نفره بدرقه شدند. اما این بدرقه و تدارک عظیم، این تجمع سمج توده ها برای تجلیل و تجدید پیمان نبود، بر عکس اشک و تضرع ریشه در سوگواری برای عمر بر باد رفته، برای پشیمانی، برای پاک کردن تعلقات و برای این بود که قهرمانان را با ... صفحه ۴

هم از آخور

هم از توبره

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

نچيروان بارزانی رئیس دولت اقلیم کردستان عراق در نامه ای به رهبر جمهوری اسلامی قاسم سلیمانی را یکی از دوستان خود در جنگ علیه صدام و داعش معرفی و از زحماتش قدردانی کرده است. همچنین سران سرسپرده ی احزاب حاکم اقلیم کردستان در مراسم سوگواری کنسولگریهای جمهوری اسلامی در اربیل و سلیمانیه صف بستند.

ناسیونالیست های کرد دولت اقلیم فراموش نکرده اند که حاکمیت میلیشیایی ۲۷ ساله شان مدیون جنگ جنایتکارانه ی خلیج و حمله امریکا به عراق است. نزدیک سه دهه است که سران دولت اقلیم از برکت این جنگ، صاحب ثروتهای نجومی شده و میلیون ها کارگر و زحمتکش در فقر و نداری و از ابتدایی ترین نیاز خود حتی آب و برق و بهداشت و آموزش کافی بی بهره اند. ... صفحه ۵

آزادی
برابری
حکومت کارگری

بازگشت به ...

ظاهرا باید عروتیهای دو طرف در "کوتاه نیامدن"، "آبایی از جنگ نداریم" و تهدیدات و تبلیغات جنگی به تقابلی نظامی و رودر رو میان جمهوری اسلامی و آمریکا می انجامید. اما عکس العمل خونسردانه ترامپ و پنتاگون، اعلام غیر رسمی آتش بس، آمادگی برای مذاکره بی قید و شرط، قطع رابطه و حمایت از نیروهای "رژیم چینجی" برای نشان دادن نیت خیر ترامپ به جمهوری اسلامی و... سناریوی مشترک برای اجرای نمایش "انتقام سخت" جمهوری اسلامی و "سیلی محکم" "آقا"، سناریوی ایجاد نقطه تعادلی میان دو "قدرت" برای بازگشت به میز مذاکره را رونمایی کرد. صرف تن دادن آمریکا به موشک باران شدن یکی از مهمترین پایگاههای نظامی خود توسط ایران و انتقام نگرفتن، صرف نمایش "ضربه پذیر بودن" پایگاههای نظامی آمریکا و قبول نمایش "قدرت" جمهوری اسلامی در مقابل بزرگترین و مجهزترین قدرت نظامی جهان، قبول حمله نمایشی به سفارت و منطقه سبز در بغداد توسط نیروی باند

سیاهی حشدالشعبی، تا همینجا "استفاده حداکثری" جمهوری اسلامی از برکت کشته شدن قاسم سلیمانی را به نمایش میگذارد.

قتل سلیمانی برای جمهوری اسلامی و متحدینش در منطقه برکتی آسمانی بود که باید از آن حداکثر استفاده میشد. چه در تقابل و رودرویی با طبقه کارگر و مردم محروم در ایران و عراق و لبنان، برای حاشیه ای کردن اعتراضات توده ای در این کشورها، برای دمیدن جان در جنازه جنبش اسلامی در منطقه، برای مشروعیت و موضوعیت دادن دوباره به نیروهای قومی و مذهبی که جنبش اعتراضی آنها را زیر ضرب قرار داده بودند، چه در تقابل با آمریکا و تلاش در امتیازگیری در مذاکرات و توافقات جدید.

جمهوری اسلامی و متحدینش که زیر ضرب جنبشهای توده ای، آزادیخواهان و رادیکال در ایران و منطقه قرار داشته و برای رفتن خود لحظه شماری میکردند، امکان و فرصتی برای نفس کشیدن، برای عقب راندن و حاشیه ای کردن اعتراض مردم پیدا

کردند. در ایران جمهوری اسلامی تلاش کرد از طرفی حاکمیت را در بالا حول قدرت سپاه و خامنه ای یکدست و متحد کند، بخشی از نیروهای بورژوازی خارج حاکمیت را حول قتل "قهرمان ملی" شان به سکوت و یا دفاع رسمی از خود بکشاند و از طرف دیگر فضای سیاسی اعتراضی و ملو از نفرت از حاکمیت سپاه خود را، هرچند موقت، به فضای دفاع از "حاکمیت ملی"، دامن زدن به عرق مذهبی، ملی، قومی و ... تبدیل کند. و در عراق دولت و پارلمان مستعفی با ماموریت جدید "دفاع از میهن"، باندهای شیعه با ماموریت "دفاع از امنیت ملی" و حشدالشعبی منفور و تروریست با ماموریت "انتقام از آمریکا" امکانی برای ابراز وجود پیدا کردند. پنج روز تنش و فضای جنگی، فرصت و امکانی برای نفس کشیدن جمهوری اسلامی و متحدینش در منطقه فراهم آورد.

کارنوال "نمایش قدرت" جمهوری اسلامی و "سعه صدر" ترامپ و آمادگی طرفین به مذاکره را باید به نقطه پایانی به این دوره پروپاگاندا جنگی تبدیل کرد. قطعاً

جمهوری اسلامی تلاش میکند در کنار معامله و مذاکره با دول غربی به فضای تنش با آمریکا، آنهم اساساً در تبلیغات درونی و رو به جامعه، ادامه دهد، اما با از دستور خارج شدن تقابل نظامی، با شروع فضای مذاکره و توافق، حربه "تهدید دشمن" و "ضرورت انسجام و اتحاد" به سرعت رنگ میبازد. اتحاد و انسجام شکننده امروز جناح ها شکسته خواهد شد و مهمتر مردمی که این پنج روز تبلیغات گوشخراش ضجه و زاری برای سرکرده قاتلین و جانیان را تحمل کردند، مجدداً برای ادامه جنبش خود، برای به زیر کشیدن حاکمیت فقر و فلاکت و استبداد و توحش، برای آزادی، رفاه و برابری به میدان می آیند. پایان فضا و تهدیدات جنگی را باید به آغاز دور جدیدی از تقابل با حاکمیت ارتجاع تبدیل کرد.

تا جائیکه به منطقه برمیگردد، اعلام آمادگی آمریکا به مذاکره و نشان دادن "حسن نیت" در عدم حمایت از نیروهای قومی و رژیم چینجی، حاکی از نقطه تعادل و دور جدیدی از مذاکره- امتیازگیری، تهدید- مذاکره و توافقات میان

جمهوری اسلامی و دول غربی است. دوره ای که هرچند خطر درگیری نظامی مستقیم میان آمریکا و ایران از دستور خارج شده اما عراق و یمن کماکان محمل جنگ نیابتی ارتجاع بین المللی و منطقه ای خواهند بود و کشمکش در لبنان و سوریه و نوار غزه و ... کماکان ادامه خواهد داشت. پایان خطر رودرویی نظامی میان ایران و آمریکا، توافق و معامله جمهوری اسلامی و دول اروپایی برخلاف تصویر عوامفریبانه آنها به هیچ عنوان به معنی بازگشت امنیت به منطقه نیست. پایان حضور نظامی دول ارتجاعی بین المللی و منطقه ای و نیروها و باندهای دست سازشان در منطقه اولین قدم در بازگشت امنیت به خاورمیانه و فراهم شدن شرایط برای پیشبرد جدال طبقه کارگر و مردم محروم جهت دستیابی به رفاه، آزادی و برابری است.

حکمت را
توزیع و
پخش کنید

محاكمه كارگران...

در این دوره شکست دادن کارگران هفت تپه و صادر کردن احکام سنگین برای نمایندگان، سخنگویان و مدافعان آنها به دریچه ای جدی از تعرض وسیع تر و همه جانبه سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی شان، علیه کل طبقه کارگر تبدیل شد. جامعه از دریاچه این جدال و هم زمان جنگ و مبارزه بی امان کارگران فولاد، هپکو، آذر آب و...، به موقعیت کل این طبقه و اقصای پایین جامعه در کشمکش با بالایی ها می نگریست. ادامه این محاکمات در حقیقت ادامه همان کشمکش است با این تفاوت که مبارزه طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی برای رفاه و آزادی، در دوره ای نسبتاً جدید بعد از جدال آمریکا و ایران ادامه خواهد یافت. این دوره مهر خود را بر تحولات در صفوف طبقه کارگر و کارگران هفت تپه و زندانیان آنها نیز خواهد زد و باید هوشیار بود.

ترور قاسم سلیمانی و همراهان او توسط آمریکا و بدستور ترامپ، هر چند لطمه ای جدی به جمهوری اسلامی بود و جان یکی از مهمترین رهبران آنها را گرفت، اما همزمان فرجه ای طلایی برای جمهوری اسلامی

باز کرد که در مقابل اعتراضات وسیع توده ای و مشکلات عدیده در ایران در گل مانده بود. قلدری آمریکا و ماجراجویی بی حساب و کتاب رئیس جمهور آن، امکانی فراهم کرد که جمهوری اسلامی علاوه بر فضای جنگی و تبلیغات وسیع و سنگین، جمعیت قابل توجهی را به مراسم قاسم سلیمانی گسیل کند و بعلاوه با حمله موشکی به پایگاه آمریکا در عراق، بار دیگر پرچم ضداستکبار خود را به اهتزاز در آورد و سعی کند قدرت و توان خود را به رخ مردم ایران بکشد. اینجاست که بررسی جدال آمریکا و ایران از کشتن سلیمانی تا حمله به قرارگاه آمریکا در خاک عراق و عواقب و نتایج آنرا ندارم، به این مهم در فرصتی دیگر خواهیم پرداخت. اما امروز بر کسی پوشیده نیست ریسک بزرگی که ترامپ مرتکب شد، دست آخر او را مجبور کرد در توافق با جمهوری اسلامی پایگاه خود در عراق را از نیرو خالی کند و امکان دهد موشک باران شود، تا هم به نیروهای آمریکا لطمه ای وارد نشود و هم جمهوری اسلامی هم بتواند اعلام کند که انتقام قاسم سلیمانی را گرفته است. این توافق هر طور صورت گرفته باشد، عریضه کشی

جمهوری اسلامی با پرچم ضد امریکایی و به عنوان دولتی که پایگاه آمریکا را موشک باران کرده است، ابزاری علیه مردم آزادیخواه ایران در یک دوره تاریخی حساس است. یک رکن جدی از اهداف جمهوری اسلامی در جدال این دوره با آمریکا، از جمع کردن نیرو برای مراسم سلیمانی و تبلیغات وسیع ناسیونالیستی و اسلامی و بعلاوه تبلیغات امروز و بعد از موشک باران پایگاه امریکایی در عراق، ترساندن مردم آزادیخواه در ایران و فرصت خریدن برای حاکمیت اش است.

محاکمات کارگران هفت تپه، در این شرایط مهر این فضا را بر خود دارد. این محاکمات در حقیقت در دوره حساسی بعد از بلیط بخت آزمایی که ترامپ تقدیم ایران کرد، برگزار خواهد شد. این جدال گوشه ای از جدال وسیعتر بورژوازی ایران و نمایندگانش در حاکمیت علیه طبقه کارگر و همه استثمار شدگان در ایران است. جمهوری اسلامی تلاش میکند، با همه امکانات و با استفاده از فضای جنگی این دوره، با استفاده از حمله ای که به پایگاه آمریکا کرده است، با عریضه کشی های ناسیونالیستی و ایرانی گری و قدرت نیروی نظامی و در راس آن سپاه پاسداران، پیش

از هر کس و جریانی فضای خود جامعه ایران را مختنق و اعتراض عدالتخواهانه در ایران را عقب براند.

جدال بورژوازی ایران با طبقه کارگر و مردم آزادیخواهی که دیمه ۹۶ و اعتراضات آبانماه ۹۸ را از سر گذرانده است، جای توافقی برای حاکمیت و برای ما باقی نگذاشته است. حاکمین بر ایران در هر دوره ای و در دل وسیعترین پروپاگاندا جنگی علیه آمریکا و هر ارتجاعی، میتوانند با هزار رابطه و بده بستان مخفی و علنی با هم توافق کنند. اما در جدال با طبقه کارگر ایران و صف مردم محروم راه توافق و صلح باقی نیست. بی تردید در این مسیر توازن قوای مابین دوطرف جنگ و میزان پیشروی و کوتاه آمدن طرفین، شعارها و مطالبات، تاکتیک و سیاستها را تعیین میکند. محاکمه کارگران هفت تپه، دریچه تعرض بزرگتر بورژوازی ایران به طبقه کارگر است. هفت تپه و زندانیان آن و سرنوشت آنها، سنگری مهم برای دو طرف این جدال است.

فضای ملتهب جامعه و تبلیغات وسیع حول کشتن قاسم سلیمانی، تبلیغات ناسیونالیستی و به رخ کشیدن قدر سپاه پاسداران و سپاه قدس و جلو انداختن فرماندهان و...، مدالهای "پیروزی" در جدال با آمریکا و ...

که به همدیگر میدهند، همگی در دنیای واقعی و در متن یک جدال بزرگتر طبقه کارگر و بخش محروم جامعه برای آزادی و برابری، عمر زیادی نخواهند داشت. دود و فضای ملتهب کنونی کنار خواهد رفت و حقایق پایه ای تری جلو صحنه خواهند آمد و جمهوری اسلامی مجبور به پاسخگویی است. فضای جنگی و ترس و نگرانی که در منطقه حاکم کردند، عریضه کشی های طرفین در این دوره، بی شک شرایط کار و مبارزه ما را سخت تر و موانعی را در مسیر مبارزه ما ایجاد کرد. قطعاً هر کارگر کمونیست، هر انسان آزاده و هر زن و مرد عدالتخواهی به این اوضاع با چشمان باز نگاه خواهد کرد، موانع را برسمیت خواهد شناخت و راه کنار گذاشتن آنها و پیشروی جنبش خود در طبقه کارگر، در جنبش حق زن و در اعتراضات نسل جوان برای دنیای بهتر و قابل تحملتر را هموار خواهد کرد.

در این اوضاع دفاع از کارگران هفت تپه، حمایت وسیع از آنها و زندانیان آنها، مقابله با دادگاهی و صدور احکام سنگین برای آنها و همه فعالین کارگری و آزادیخواه، مقابله با اخراج و پرونده سازی برای هفت تپه ای ها، یک حلقه مهم و دفاع از یک سنگر جدی طبقه کارگر در مقابله با بورژوازی ایران و دولت حاکمش است.

مردم، دشواریهای مردمی و مستقل خود متشکل شوید!



آنجاست که تقبل مخارج فلاکت بار و سرسام آور برای سپاه نکبت بار قدس و هزینه گزاف سیاسی و انسانی برای مردم منطقه و ایران در چند دهه گذشته به جای خود، هنوز هم این مردم ایران هستند که

دو قطب اسلامی - سرمایه در رقابت با هم، آنجاست که بیشتر از هر وقت دیگر زیر بغل یکدیگر را گرفته و مشترکا از جان و هستی توده های زحمتکش تغذیه کرده اند. سایه سنگین استثمار و فرودستی در متن دوستی و دشمنی این دو قطب هر روز قربانی بیشتری را میطلبد.

هیچ کس حق ندارد دشواری ها و مخاطرات زندگی در سایه معاملات و مجادلات قطب های این کشمکش و بخصوص در زیر آتش موشک و بمبها را از نظر دور بدارد؛ اما در عین حال اگر قرار باشد بر این خاکستر رشته حیات و روایت زندگی انسانی تداوم داشته باشد، اگر منطق حیات، خوش بینی، امید و سازندگی قوت دل گردد، اگر انسانها روزگار سیاه را سهم غیر قابل برگشت سرنوشت تبار انسانی در فلات "بدبختی" اسلامی سرمایه نبینند و نخواهند، آنوقت قطب نمای رهایی انقلابی از جمهوری اسلامی آن قطب نمایی است که میتواند چشم انداز گذر از این کابوس را قابل باور جلوه بدهد. این امر طبقه کارگر در ایران است.

پیف به آرمانهای اسلامیستوارنمایند، پز اعتدال و تدبیر و اصلاحات بیابند، و رو به کارگر، منت سازندگی و تدبیر بگذارند و قدم زدن در پیاده رویهای مقابل بورس نیویورک را برخ بکشند...

قاسم سلیمانی سردار تلاش برای تکرار تاریخ دوره اول، یعنی بلندپروازی آقایی منطقه توسط بورژوازی ایران بر کرده استثمار طبقه کارگر و از طریق رقابت با همپالگی های منطقه ای است. سلیمانی سردار تاریخی است که جمهوری اسلامی به قیمت فقر و آوارگی و تباهی میلیونها کارگر و زحمتکش، به قیمت شدن جوانان مردم در میان جنایت کاران و منحط ترین روشهای باج گیری و باند سیاهی؛ در جوار و در رقابت با آل سعود، صدام، شارون و ترامپ و ... جای پا باز کرد. امروز در خاکسپاری سردار دوم نه فقط توهमत و یک مشت لاطانات حکومت فرا مرزی، بلکه، یک ماجراجو و ورق های سوخته در مقابل طرف حسابهای "آب زیر گاه" و به همان اندازه ارتجاعی و ضد مردمی (چه در مقابل مردم ایران و چه در مقابل مردم منطقه) است که بگور میرود.

موضوعیت سلیمانی، طنز تکرار تاریخ بخصوص

جنگی دیوانه وار نسلی تمام از جوانان را بی محابا کشتار کرد و برای این مردم که در آرزوی عدالت و رفاه بودند فقر و آوارگی و خانه خرابی و بیکاری و گرانی و فحشا و اعتیاد را به ارمغان آورد. خمینی در میان نفرت عظیم و کینه عمیق میلیونها مردم زحمتکش و ستمزده به گور رفت. حکومت اسلامی و به همراهش تمام توهमत و آرمانهای منتسب به آن، با خمینی نفس آخر خود را کشید. آنها که عزا گرفتند و بر سر و سینه خود کوبیدند، اینرا خوب میفهمیدند.

مراسم خاک سپاری خمینی تاریخی بود، مهمتر از هر چیز به این خاطر که تاریخ هرگز کسی را اینگونه با همه نام و نشان بگور نسپرده است؛ تو گویی آن جامعه با آن همایش عظیم خاک سپاری میخواست او را بر فرق سر آنچنان بالا ببرد و زمین بکوبد تا در فقدان هر اثری از قائد پرهیزگاری اش خود را هم آغوش بزرگترین شیطان ها سازد، اقتصاد را به خر باز گرداند، با شرق و غرب بر سر استثمار سوبسید شده دستمزد معوقه ای زیر خط فقر در مناطق ویژه صنعتی تحت نظارت عالیه قلچماق های پاسدار لاس بزند، حضرات حکومتی اش رو به سرمایه جهانی اخ و

جمهوری اسلامی و ... ایده و مقدساتشان، با هم در عمق هر چه عمیق تری از خاک جا دهند. این مراسم و تشریفات نه برای ادای احترام، بلکه برای پشت کردن؛ نه برای وفاداری، بلکه برای پشیمانی؛ این تجمع نه رژه پرغرور برای جلای شکوهمند خاطره قهرمانان غرق در احساسات میهن پرستانه، بلکه بیش از هر چیز یک فغان ملی برای توهमत و در سوگ انتظارات بر باد رفته بود. دو سناریو، دو سوگواری، یکی المثنای دیگری، با سی سال فاصله، دومی نسخه کمندی از اولی.

فاتحه های سی سال پیش در خرداد سال ۱۳۶۸ در ایران و کشورهای متعدد اسلامی دیگر فضا را پر کرده بود، فاتحه همه ایده هایی بود که خمینی با سر سختی تمام در صدد تحقق بخشیدن به آن بود. آن روز رویاهای پان اسلامیستی همراه خمینی که سردار معاصر این هنیونه ارتجاعی بود میرفت که به گور سپرده شود. ده ساله حکومت خمینی را باید از عمیق ترین تراژدیهای کل تاریخ مردم دنیا به حساب آورد. در طی ده سال از حکومتی که او عالی ترین مقام آن بود قضایی هایش در زندانها قصاوتهای سازمان مخوف ساواک را از یادها برد. رژیم که در دل

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قاسم سلیمانی

کشته شد!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

بامداد امروز، جمعه ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ (سوم ژانویه ۲۰۲۰) قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، در جریان یک حمله هوایی نیروهای آمریکایی همراه با ابو مهدی المهندس، معاون فرمانده نیروهای حشد الشعبی عراق، در نزدیکی فرودگاه بغداد کشته شدند. پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده اند این اقدام بدستور

مستقیم ترامپ انجام گرفته است.

بی تردید کشته شدن قاسم سلیمانی و فرماندهان حشد الشعبی و هر جنایتکاری در هر کجای دنیا نمیتواند مورد خوشحالی مردم آزادیخواه در ایران و عراق و منطقه نباشد.

همزمان قلدری و یکه تازی ترامپ و پنتاگون و دولت امریکا، دخالت در هر کشور و هر جایی که

بخواهند نیز نمیتواند مورد نفرت مردم عراق و منطقه نباشد.

کشتن قاسم سلیمانی و همراهان او در عراق، خاورمیانه را وارد فازی دیگر خواهد کرد، فازی که افزایش تروریسم دولتی هر دو طرف را به همراه داشته و دود آن به چشم قربانیان جنایات تاکنونی این دولتها، به چشم مردم آزادیخواه در ایران و عراق و منطقه و به چشم

همه مردم محرومی خواهد رفت که از دخالتهای ناتو و دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه، از دخالتهای ایران و سایر دول مرتجع منطقه و جنگ و ویرانی به ستوه آمده اند. جمهوری اسلامی، دول و نیروهای ارتجاعی زیر ضرب جنبش توده ای در ایران، عراق، لبنان و ... بیشترین استفاده را از این ضربه خواهند کرد.



همچنین نباید فراموش کرده باشند که بر اثر زحمات قاسم سلیمانی فرماندوم و رای ۹۰ درصدی مردم به استقلال کردستان پاره شده، حشد شعبی مزدور سپاه قدس به فرماندهی همین فری به کردستان حمله و تانک هایشان از روی جسد پیشمرگان گذشتند. بر اثر این حمله بسیاری کشته، هزاران خانواده آواره و خانه های سوزانده شد و شهرهای بزرگ مانند کرکوک، خانقین و دیگر شهر و شهرک های کردستان نزدیک به یک سوم خاک کردستان اشغال نظامی شد. جناح بارزانی و نچیروان، آن زمان شعبه ای از اتحادیه میهنی متحد خود در دولت اقلیم را متهم به خیانت و همکاری با سپاه قدس و حشد شعبی به فرماندهی قاسم سلیمانی کرد. و باز احزاب دولت اقلیم امروز می بینند که میلیون ها مردم معترض در خیابانهای بغداد و بصره و کربلا و دیگر شهرهای عراق چگونه با گلوله های حشد شعبی قاسم سلیمانی به خاک می افتند و انقلابیون عراق با آتش زدن کنسولگریهای جمهوری اسلامی و آتش زدن تصاویر خامنه ای و سلیمانی خشم و نفرت خود را از این سرکوبگران ابراز کرده و می کنند. در چنین شرایطی اعلام

همبستگی با جمهوری اسلامی و سلیمانی را دوست نامیدن جز یک دروغ و بی شرمی و نشان زبونی و بی پرنسیپی آشکار معنی دیگری ندارد. آیا مردم کردستان عراق، خانواده های پیشمرگان له شده زیر تانک های قاسم سلیمانی، آوارگان کرکوک و خانقین و بر خاک افتادن معترضین عراقی با گلوله های حشد شعبی هم، قاسم سلیمانی را دوست خود می دانند؟! احزاب حاکم دولت اقلیم کردستان عراق تا امروز حیات و ممات حاکمیت شان به دولت امریکا و پایگاههای متهدد نظامی اش گره خورده و از طرف دیگر آشکارا

مزدوری جمهوری اسلامی و دولت اردوغان را برگزیده اند. این ها هم از آخور می خورند و هم از توبره. ناسیونالیسم کرد در هر دو سوی مرزهای ایران و عراق از یک جنس اند. از سویی "مرکز همکاری احزاب کردستانی" ایران متشکل از دو حزب دمکرات و دو کومه له ی زحمتکشان همزمان با خیزش میلیونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در آبان امسال به گفته مصطفی هجری در پاسخ به سوال خبرنگار "NRT" که می پرسد مذاکره تان با جمهوری اسلامی به کجا رسید، جواب می دهد: " نیمه چاوه روانین" ما

منتظریم! از سوی دیگر احزاب حاکم دولت اقلیم سرسپردگی شان به جمهوری اسلامی را با ابراز همدردی و دوست نامیدن قاسم سلیمانی فرمانده مزدوران و قاتلان حشد شعبی، نشان می دهند. کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده ی کردستان عراق و ایران این سرسپردگی و بی شرمی سیاسی را بر احزاب ناسیونالیست حاکم دولت اقلیم و احزاب ناسیونالیست کردستان ایران نمی بخشند! دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی - دی ماه ۹۸ (ژانویه ۲۰۲۰)

شور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!

نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
[@Hekmatistx](https://t.me/Hekmatistx)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

سایت آرشیو مجموعه
آثار

منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

کارگر در همه این
کشورها است.

حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۱۳ دیماه ۱۳۹۸ - سوم
ژانویه ۲۰۲۰

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده‌ای کارگری، حزب حکمتیست (خط رسمی) خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجمع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از اینطریق ایجاد هرچه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد.

(قطعنامه در باره تشکلهای
توده‌ای طبقه کارگر)

مرتجع خاورمیانه در این دوره همراه با تروریسم عیان آنها، در چند دهه گذاشته "ارمغانی" جز سیه روزی و ویرانی و کشتار صدها هزار نفره نداشته است. کارگران، مردم محروم در کل منطقه، تنها قربانیان این جدالها بوده اند. امروز نیز دود این کشمکش مستقیما در کل جهان و خصوصا در خاورمیانه به چشم قربانیان این حاکمیتها خواهد رفت.

جنگ و جدال ارتجاع حاکم در امریکا و ایران، نه فقط سرسوزنی به منافع طبقه کارگر و مردم آزادیخواه این کشورها مربوط نیست، که تنها شرایط مبارزه برای خلاصی از شر حاکمیتهای سیاه را سخت تر خواهد کرد. بی تردید دنیا بدون ترامپ ها، قاسم سلیمانی ها، خامنه ای ها، اردوغانها، نتانیاهوها و... دنیای امن تر و انسانی تر خواهد بود. لگام زدن بر ماشین ترور و کشتار این جنایتکاران کار مردم متمدن و جنبش سوسیالیستی طبقه

این اقدام بار دیگر به جمهوری اسلامی ایران امکانی میدهد تا به نام مقابله با آمریکا، به نام تشدید جدال با دولت ترامپ و پنتاگون، با افزایش تبلیغات جنگی، فضای جامعه ایران را میلیتاریزه کرده و طبقه کارگر و اقشار محروم مردم در جدال علیه خود را عقب براند. در عراق نیز نه تنها حشد الشعبی که بعلاوه دولت قومی مذهبی حاکم بر لبنان و عراق که زیر فشار اعتراضات وسیع توده ای قرار دارند نیز فرجه ای خواهند یافت تا به نام "حفظ امنیت" و فضای جنگی و جنگ نیابتی ایران و آمریکا، اعتراضات توده ای علیه خود را پس بزنند.

این اقدام همزمان بار دیگر عربده کشی ترامپ و تیم او در به رخ کشیدن قدرت و توان میلیتاریستی آمریکا نه تنها علیه مردم خاورمیانه که در خود آمریکا علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را بالا خواهد برد. جنگ و کشمکش حاکمان بر امریکا و ایران، جدال دول

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید